

## بسم الله الرحمن الرحيم

لطفا این مقاله را به دست نمایندگان مجلس شهر خود و اعضای محترم شورای نگهبان و در نهایتا اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام برسانید.

### قانون مصوب مجلس

به موجب مصوبه مجلس در اصلاح ماده ۱ این طرح، ارائه هرگونه اطلاعات نادرست و تبلیغات خلاف واقع که نوعا موجب گمراهی و فریب مخاطب شود، به هر طریق از جمله رسانه های داخلی و خارجی و یا فضای مجازی درباره آثار مصرف مواد و فرآورده های دارویی، خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، گیاهی، طبیعی، مکمل و همچنین تجهیزات و ملزومات پزشکی و دندانپزشکی، آزمایشگاهی و هرگونه خدمات سلامت ممنوع است و مرتکب به حبس و جزای نقدی درجه شش و ممنوعیت از فعالیت شغلی و اجرایی مرتبط برای ۲ تا ۵ سال محکوم می شود.

در صورتی که به مصرف کننده خسارتی وارد شود، علاوه بر جبران آن معادل دو تا پنج برابر خسارت وارده به عنوان جزای نقدی به مجازات مذکور اضافه می شود.

طبق مصوبه مجلس در تبصره ۱ این ماده مصادیق اطلاعات نادرست و تبلیغ خلاف واقع عبارتند از: اطلاعات یا ادعاهای اثبات نشده یا تایید نشده توسط وزارت بهداشت درباره روش فرآوری، تولید، نامگذاری تجاری، خواص ترکیب، منشا سودمندی، ارزش غذایی، روش درمانی و خدمات، آثار و منافع ناشی از ارائه خدمات یا درمان یا دارا بودن گواهی یا مجوز از مراجع داخلی یا خارجی در خصوص کالاها و خدمات موضوع این قانون.

طبق تبصره ۲ ماده ۱ این طرح انتشار تبلیغات موضوع این قانون از سوی رسانه های جمعی موجب محکومیت مدیر مسئول در رسانه های چاپی یا مسئول ذیربط در سایر رسانه ها در مجازات مندرج در این قانون می باشد، الزام به جبران خسارات شامل مواردی که ورود آسیب منتسب به تبلیغ کننده نیست، نمی شود.

### نقد قانون مصوب مجلس

در این که عده ای سودجو و منفعت طلب برای بازار گرمی خود و درآمدزایی بیشتر، با سلامت مردم بازی می کنند و هر روز ادعاهایی بدون پشتوانه مطرح می کنند و با فروش داروهای گران خود، طب اصیل ایرانی اسلامی را لگه دار می کنند هیچ تردیدی نیست و باید جلوی این افراد گرفته شود. اما راه حل چیست؟! آیا تصویب این قبیل قوانین تنها راه حل جلوگیری از

سودجویی این افراد است؟! آیا تصویب این قوانین عواقب منفی ای ندارد؟! آیا تصویب قوانینی برای ممنوعیت بیان هر گونه مطلبی که در وزارت بهداشت گفته یا ثابت نشده، تنها راه جلوگیری از این سودجویی هاست؟!

این قانون به ظاهر بر علیه افراد سودجو در یک صنف خاص می باشد ولی در واقع مخالف آزادی بیان، مخالف پیشرفت و توسعه طب سنتی، بسته شدن باب علم، تقلید و وابسته شدن در علم پزشکی، اسلامی نشدن علوم انسانی و دانشگاهی، کنار گذاشتن مجموعه ی زیادی از روایات اسلامی و به طور کل تعطیلی سبک زندگی اسلامی است.

## عواقب منفی تصویب این قانون

### تنافی با سیاست های زندان زدایی

نوع جریمه انتخاب شده، منافات با سیاست های زندان زدایی است. الان همّت تمام دستگاه ها بر این شده که زندانیان کمتر شوند، چون اضافه کردن هر زندانی یعنی عواقب منفی برای خانواده ی زندانی و سربار شدن زندانی و تحمّل هزینه های زیاد برای نظام. حال چگونه به این راحتی، قوانینی تصویب می شود که می توان صدها راه برای جلوگیری از آن تخلف یا جبران آن گذاشت!

### جلوگیری از گسترش علم بجای جلوگیری از متخلف

با تصویب این قوانین بیشتر جلوی گسترش علم گرفته می شود تا گسترش متخلفین. غالب افرادی که در حوزه ی طب سنتی اسلامی دارای تخلفات اساسی و درآمدزایی های کذایی هستند، یکسری افراد سودجو می باشند که دارای مهارت زیاد و تخصص کافی از بُعد علمی نیستند. لذا این قبیل افراد صاحب نظر یا نظریه پرداز نمی باشند. با تصویب این قبیل قوانین بیشتر جلوی نظریه پردازها گرفته می شود تا افراد سودجویی که هزاران راه برای کلاه برداری خود می دانند.

بهرتر نیست بجای تصویب قانون برای جلوگیری از بیان مطالب علمی و آموزش های طب سنتی - اسلامی، قوانینی طرح کرد که جلوی متخلفین را با اثبات تخلفشان گرفت؟! راه سودجویی متخلفین در طب سنتی مشخص است. غالب این تخلفات از طریق داروها و بحث درمان است نه بحث علمی. چرا با تخلفات دارویی از نوع تقلبی بودن، گران بودن و یا تجویز بی رویه مقابله نمی کنید؟! که البته لازمه ی این امر، ایجاد کارگروه های متخصص طب سنتی اسلامی در این حوزه و شناسایی عوامل متخلف می باشد. و باز مقدمه ی این کار، تصویب قوانینی برای مجاز بودن تجویز داروهای گیاهی از کانال طب سنتی اسلامی می باشد.

## ناسازگاری با ادعای آزادی بیان و عدم عملکرد واحد مجلس و دولت در این زمینه

سخن در اتخاذ مبانی واحد از سوی مجلس و دولت است. بیان شعار سلامت مردم از سوی دولت و مجلسی که در امور دیگر اعتقاد به آزادی بیان در حد گسترده دارد<sup>۱</sup>، پذیرفته شده نیست. چرا در دیگر علوم، بخاطر سابقه نداشتن و جدید بودن آن حرف (که یا بازی با جسم مردم است یا با فکر و روح مردم) مردم را به زندان نمی اندازید؟!

به نظر می آید جایگاه آزادی بیان همین علوم تخصصی است. صاحبان و متخصصان هر علمی می توانند نظرات خودشان را بیان کنند و دیگران پاسخ گویند. به نظر می آید بهتر است دولت و مجلس اجازه دهند در علوم مختلف، ادعاهای علمی بیان شود تا با نقد و نظر دیگران و تحقیقات بیشتر آن علوم به تکامل خود برسد.

## عدم تولید علم و پست رفت علوم

فضای رشد علمی را از مردم نگیرید، امثال بوعلی سینا چگونه بوجود می آیند؟ آیا با تقلید از نظرات یک عده ای خاص، پیشرفت حاصل می شود؟ اگر بنا باشد که فقط مطالبی گفته شود که قبلاً ثابت شده است، پس چگونه حرف های جدید بیان شود، چگونه تولید علم شود، چگونه در علوم پیشرفت حاصل شود؟! اگر مجلس و دولت می خواهند بیان هر مطلبی را فقط به این دلیل که قبلاً در جایی (مثل وزارت علوم و بهداشت) گفته نشده، رد کنند و آن شخص گوینده را به زندان بیاورند، پس لطف کنند بساط همه ی علوم را برچینند و درب تمامی دانشگاه ها و پژوهشگاه ها را ببندند و هیچ شخصی حق تحقیق جدید و بیان نظریه ی جدید نداشته باشد! آیا تصویب این قوانین، این قبیل نتایج منفی را بدنبال ندارد؟! آیا در اذهان مردم، نگاهی منفی و بدبینانه ایجاد نمی شود.<sup>۲</sup>

## منحصر شدن طب سنتی - اسلامی در دانشکده های طب سنتی و تعطیلی عملی این علم

با توجه به این که در تبصره ۱ این قانون آمده است «مصادیق اطلاعات نادرست و تبلیغ خلاف واقع عبارتند از: اطلاعات یا ادعاهای اثبات نشده یا تایید نشده توسط وزارت بهداشت»، پس بطور کل هر نوع آموزشی که در مسیر وزارت علوم و بهداشت نباشد، باید تعطیل شود.

---

<sup>۱</sup> . در بحث بیان نظرات ؛ سوال اینست که کسی که شبهات اعتقادی مطرح می کند بیشتر خطرناک است یا کسی که نظرات طبّی باطل بیان می کند؟! برای جامعه ای مسلمان و مومن، بازی کردن با فکر و روح انسان ها که ضرر غیرقابل جبران و شقاوت و سعادت ابدی انسان ها را بدنبال دارد بدتر است یا بازی کردن با سلامت مردم که نهایتاً ضرر دنیایی از جهت کوتاه شدن عمر بدنبال دارد؟!  
چطور به نام آزادی بیان، هر شخصی در سخنرانی یا نوشته های خود در روزنامه و دیگر آثار خود، می تواند هر عقیده و نظری را از جانب خودش بیان کند ولی نوبت به طب که می شود، بازی با سلامت مردم است؟! بازی با افکار و عقائد مردم و دین و ایمان آنان اشکالی ندارد ولی بازی با دنیای آنان ایراد دارد؟! سخن این نیست که در هر دو بُعد سهل گیری یا سخت گیری شود بلکه سخن در اتخاذ مبانی واحد است.  
<sup>۲</sup> . تصویب این قوانین بیشتر حساسیت مردم را برمی انگیزاند. گویا نشان می دهد طب سنتی منافع دنیایی خیلی افراد را به خطر انداخته است که اینچنین دست و پا زده و لابی می کنند.

وزارت علوم تنها راه رسیدن به آموزش های طب سنتی را دانشکده های طب سنتی دانسته است و حال اینکه برای این امر، ملزم کرده که ۷ سال پزشکی عمومی خوانده شود. اگر بناست یک پزشک با مبانی طب سنتی درمان کند، دیگر چه نیازی به آموزش طب شیمیایی می باشد؟! طبیعی است که وقتی آموزش داده می شود یعنی فکر و ذهن شخص آموزش گیرنده باید در این چهارچوب سیر کند. یعنی این دانشجوی پزشکی می بایست با این سیستمی که آموزش دیده و برای او تعریف شده، فکر کند، یاد بگیرد و درمان کند و حال اینکه مبانی، روش آموزش و درمان در این دو علم متفاوت است و فقط **بعضی سرفصل های مشترک و پایه** وجود دارد که در زمان مختصری، می توان آنها را فراگرفت. با منحصر کردن آموزش طب سنتی در فراگیری پزشکی نوین، عملاً باب این علم یا بسته شده و یا طب سنتی وابسته به طب غربی خواهد شد. در عمل، همه می دانند که ورود به این پروسه و طی کردن مسیر بیش از ده سال جهت رسیدن به این تخصص، بسیار دشوار بوده و بطور کل از جهت مبانی، مورد نیاز طب سنتی نمی باشد. لذا غالب افرادی که می خواهند در حوزه ی طب سنتی، آموزش ببینند عملاً کنار گذاشته می شوند و هیچ پیشرفتی غیر از دیکته شده های غرب، نصیب مردم نخواهد شد.

## منحصر شدن منابع علم طب، در گفته های دانشمندان غربی

- بهتر است گفته شود اگر ادعایی هیچ منبع علمی نداشته باشد جرم است نه اینکه ادعایی که منبع وزارت بهداشتی ندارد.

مگر منابع یک علم، فقط آنچیزی است که وزارت بهداشت می گوید؟! علم طب، یک علم است. طب سنتی هم یک علم است. طب اسلامی هم یک علم است. منابع هر یک منحصر در منابع خودش و روش پژوهش و تحقیق در هر یک متفاوت می باشد. اگر کسی از منابع طب سنتی و کتاب های حکماء پیشین، مطلبی را نقل کرد، آیا این جرم است؟ مگر محتوای آن کتاب ها مجرمانه بوده است؟! یا اینکه چون هاریسون نگفته است جرم است؟! اینطور نبوده که سخنان حکماء قدیم بدون پشتوانه بوده باشد بلکه آنان نیز روش های تحقیق مختص به خود را داشته و گیاهان را مورد آزمون و خطا قرار می دادند.

اگر شخصی از روایات اسلامی، روایتی را جهت پیشگیری و درمان بیماری ای نقل کرد، آیا این جرم است؟! مگر محتوای مضامین کلام معصومین (العیاذبالله) مجرمانه بوده است؟! یا اینکه چون هاریسون نگفته است جرم است؟

اگر شخصی طبق یک تحلیل منطقی، عقلانی و پزشکی، قضایایی را کنار هم بگذارد و نتیجه ای بگیرد، آیا این جرم است؟ مگر محتوای قضایای عقلی و منطقی مجرمانه می باشد؟ یا اینکه چون این مطلب عقلانی و عقلانی را هاریسون نگفته است مجرمانه می باشد؟!

## تقلید و وابستگی کشور

ملت ایران، انقلاب کرده اند تا از وابستگی نسبت به مستعمرین جهان نجات پیدا کنند. در حالیکه بعضی نهادها و دستگاه های ما به این وابستگی افتخار می کنند و آن را مبنای تصمیم گیری های کلان در کشور قرار می دهند. وزارت بهداشت ایران مستقیم زیر نظر وزارت بهداشت جهانی فعالیت کرده که دهها کشور بر روند فعالیت های آن نظارت دارد و مو به مو امور پیشگیری و درمان را دیکته کرده و از آن ها می خواهد در حالیکه مردم ما به خوبی می دانند نظام های سلطه ی جهان هیچ گاه

به فکر سلامت دین و دنیای مردم نبودند و هر قدمی که منافع مالی آن‌ها را در برنداشته باشد، بر نمی‌دارند. سیاست طب نیز از این چرخه خارج نیست. جدای از ضعیف شدن نسل‌ها و در نتیجه سلطه بر روح و روان مردم و کشورهای جهان سوم، چرخه‌ی درمانگری و داروسازی که متوقف بر شیوع بیماری می‌باشد، از منافع و سیاست‌هایی است که غرب به شدت پیگیر است.

بهتر است ایران اسلامی به حضور در این چرخه افتخار نکند، چون روز به روز بیماری‌ها در سراسر دنیا از جمله ایران اسلامی بیشتر شده و می‌شود. مرگ و میرهای ناشی از بیماری نسبت به گذشته بسیار افزون شده است و دیگران که نمی‌میرند، دچار انواع بیماری‌ها با وابستگی به انواع قرص‌های شیمیایی و در نتیجه پر کردن جیب شرکت‌های بزرگ صهیونیستی هستند.

ادعای استقلال ایران، تا زمانیکه در نظام پیشگیری و درمان وابسته به بیگانه باشیم یک ادعای پوچ و بی‌اساس است. ما در دیگری آتش می‌پزیم که موادش را غرب برای ما به ارمغان آورده است. تا زمانیکه در چهارچوب فکری آنان تصمیم بگیریم، فکر کنیم و زندگی کنیم همین است. با در اختیار گرفتن نظام سلامت مردم، چرخه‌ی اقتصاد ما را هم بدست گرفته‌اند.

تصویب این قبیل قوانین خدمت بیشتری است برای وابسته کردن کشور و کنار گذاشتن روزنه‌های امید جهت استقلال از طریق ترویج علوم بومی، سنتی و اسلامی در طب.

## کنار گذاشته شدن باورهای اصیل طب ایرانی

جالب است در زمان گذشته که مردم از طریق درمان‌های خانگی و سنتی به یکدیگر آموزش می‌دادند و قسمت عمده‌ای از بیماری‌های خود را درمان می‌کردند، این کار نه تنها جرم تلقی نمی‌شد بلکه کار بسیار با ارزشی بود. ولی حالا که امثال هاریسون و دیگر دانشمندان بی‌دین غربی برای ما دلسوزی کرده و کتاب نوشته‌اند، تبیین و گسترش این روش‌های سنتی یک جرم تلقی می‌شود! غرب زدگی حد و اندازه‌ای دارد! وزارت بهداشت در مورد خیلی از مباحث طب سنتی نظری نداده و اصلاً اعتقادی ندارد در حالیکه ریشه در باورهای عمیق سنتی مردم و تجربه سال‌ها طبابت حکماء بوده است. این‌ها سرمایه‌های علمی این کشور بوده که از زمان بوعلی سینا و قبل از ایشان در خدمت سلامت مردم و درمان بسیاری از بیماری‌ها به کار گرفته می‌شد ولی حالا دیگران از علوم و ذخیره‌های طب ایرانی بهره می‌برند و ما باید از جویده شده‌های آنان که برای ما انتخاب می‌کنند، استفاده کنیم!

اگر بنا شود که مجموعه‌ی دستورات از کانال وزارت بهداشت عبور کند یعنی تابع محض هاریسون شدن. بیش از ۸۰ درصد داروهای شیمیایی به اعتقاد خود صاحبان این علم دارای عوارض می‌باشد، عوارض قطعی‌ای که مجموعه‌ی آن‌ها بیش از ۷۰۰ صفحه بوده و خودشان در کتاب‌ها نوشته‌اند که از خواب آلودگی شروع شده و تا مرگ ادامه دارد. علاوه بر این، هر روز تحقیقات جدید و متفاوت با گذشته انجام می‌شود و سخنان قبلی را نقض می‌کنند و با سلامت و جان انسان‌ها بازی می‌کنند. کتاب هاریسون هر سال ویرایش جدید شده و هر چند سال یکبار درصد زیادی از مطالب آن عوض می‌شود ولی باز هم قوانینی وضع می‌شود که تأکید بر اعتماد به سخنان ناقص غربیان شده و سخنانی که بر مبنای منابع دینی و دانشمندان و حکماء ایرانی می‌باشد باید کنار گذاشته شود و الا مجرم تلقی شده و زندانی خواهید شد!

## ممنوعیت نقل روایات اسلامی در سلامت مردم

آیا اسلام برای سلامت انسان ها هیچ دستورا عملی نداده است و برای دین مهم نبوده است. دین اسلام که برای دستشویی و حمام رفتن انسان و نحوه ناخن گرفتن و زمان آن، طرح و برنامه و نقشه داده است چگونه می شود که در زمینه سلامت انسان ها سکوت کرده باشد! دهها هزار روایت در زمینه پزشکی که از معصومین علیهم السلام صادر شده و آیاتی که در زمینه تغذیه و سلامت انسان ها می باشد، چگونه بیان این ها جرم تلقی می شود<sup>۳</sup>! نتیجه و ماهیت تصویب این قوانین، کنار گذاشته شدن قسمت عمده ای از دستورا عملی های دین اسلام در بُعد جسم و سلامت انسانهاست و حال اینکه در دنیای غرب از این روایات و دستورات برای سلامتی خود بهره می برند!

طبق تبصره ۱ از این قانون؛ مصادیق اطلاعات نادرست و تبلیغ خلاف واقع عبارتند از: اطلاعات یا ادعاهای اثبات نشده یا تایید نشده توسط وزارت بهداشت. و حال اینکه بسیاری از دستورا عملی هایی که شرع مقدس اسلام در زمینه سلامت انسان ها بیان کرده است از اساس در علم پزشکی جدید جایی ندارد و قطعاً توسط وزارت بهداشت نه اثبات شده و نه تأیید شده است.

طبق این قانون ظالمانه و خلاف شرع، اگر یک آیت الله طبق روایات اصول کافی بفرماید:

**امام علی علیه السلام:** سرکه، نیکو خورشتی است؛ زرداب را می شکند، صفرا را فرو می نشاند و قلب را زنده می کند.<sup>۴</sup>

**امام علی علیه السلام:** خوردن به، نیروی قلب ضعیف است، معده را پاک می سازد، دل را نشاط می دهد و ترسو را شجاعت می بخشد.<sup>۵</sup>

این شخص مجتهد، طبق این قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، مجرم تلقی می شود و باید زندانی شود. چون در مورد سلامت مردم سخنی گفته است که وزارت بهداشت در مورد آن نظری نداده است. طبق این دو روایت مردم برای تقویت قلب خود از سرکه و میوه ی "به" استفاده می کنند در حالیکه وزارت بهداشت می گوید اگر قلبت ضعیف شد باید به پزشک شیمیایی مراجعه کرده و قرص های شیمیایی تجویز شده توسط پزشک را مصرف کنید و در نهایت عمل قلب انجام دهی. هیچ کس حق ندارد سخنی را در سلامت مردم به کار ببرد که دانشمندان غربی نگفته اند!!!

عجیب است که اینان جای خدا هم نشسته اند و بجای ائمه ی معصومین علیهم السلام و بجای انبیاء برای سلامت مردم، تعیین و تکلیف می کنند و خودشان را اصل می دانند و آموزه های دین را فرع می پندارند!!

قانون مصوب مجلس می بایست عکس باشد؛ یعنی اصل بر اینست که هر آنچه خداوند متعال و فرستادگان او فرموده اند صحیح است مگر اینکه ما نفهمیم یا خلافتش به ادله قطعی ثابت شود که کاشف از ضعف در نقل ها بوده است.

<sup>۳</sup> فکر می کنم در زمان حکومت های غاصب و ظالم در طول تاریخ اسلام اینچنین نسبت به بیانات دین اسلام موضعگیری نبوده که الان در حکومت و نظام اسلامی می باشد!

<sup>۴</sup> . الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۹۲۴ کلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۱۴۰۰ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۴، ح ۱۷ و ح ۲۲.

<sup>۵</sup> . الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱ عن الحسن بن راشد عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۲۲۷۷ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۵.

## ممنوع شدن طب در حوزه علوم دینی

در گذشته، جایگاه اصلی طب، در حوزه های علوم دینی بوده است. قبل از اینکه دیگران بخواهند در این علم ورود پیدا کنند، تعالیم این علم از طریق منابع اسلامی و کتب حکماء در حوزه ی علوم دینی آموزش داده می شد. لذا بیشتر حکماء و اطباء از افرادی بودند که مقدمات علوم دینی را فرا گرفته بودند. امثال ابوعلی سینا قبل از اینکه طیب باشند، حکیم، دانشمند و عالمی متبحر و باتقوا بودند.

حال که این قانون بناست تصویب شود یعنی هیچ گاه این علم به جایگاه اصلی خودش برنخواهد گشت و هر گونه آموزشی در این حیطه در بین علماء ممنوع خواهد بود حتی آموزش روایاتی که ناظر به سلامت و بهداشت مردم می باشد نیز ممنوع خواهد شد!

## کنار گذاشته شدن سبک زندگی اسلامی

ادعای ما اینست که در کشوری زندگی می کنیم که نظام اسلامی حاکم است ولی ظاهراً نام اسلام فقط یک تشریفات برای بعضی مسئولین شده است. بنا بود به فرموده رهبر عزیزمان کاری کنیم که مردم سبک زندگی اسلامی شود، ولی کجا رفت سبک زندگی اسلامی؟! آیا تصویب این قانون در راستای سبک زندگی اسلامی است یا در راستای سبک زندگی غربی؟!

وقتی بنا باشد فقط اموری که وزارت بهداشت تأیید کرده است گفته شود یعنی آیات قرآن در زمینه بهداشت و سلامت کنار گذاشته شود و دیگر کسی حق ندارد بگوید؛ عسل شفا هست و بیماری ها را درمان می کند. کسی حق ندارد بگوید قبل از زایمان بنا به سفارش قرآن کریم، خرما بخورید. کسی حق ندارد سفارش و توصیه به میوه های بهشتی که در قرآن ذکر شده کند چون هنوز وزارت علوم و بهداشت فرصت نکرده است در آیات و روایات اسلامی کار کند. چون کتاب اصلی وزارت بهداشت قرآن نیست بلکه هاریسون است. فقط این یهود است که اجازه دارد برای درمان بیماران خودش از دستورالعمل آیات و روایات اسلامی بهره ببرد ولی ما مسلمانان چنین اجازه ای نداریم، چون وزارت بهداشت جهانی به ما چنین اجازه ای نداده است!

وزارت بهداشتی که گوش به دهان غرب دارد و تمام علوم پزشکی نوین را از غرب بصورت دیکته شده تأیید می کند و تمامی دستورالعمل های وزارت بهداشت جهانی از قبیل وارنیش فلوراید و ... را بصورت کامل پیاده می کند، چگونه می تواند ادعا کند که سبک زندگی اسلامی را پیش رو گرفته است! آیا سبک زندگی مردم در زمینه پیشگیری و درمان، اسلامی است یا غربی؟! علی رغم دستورالعمل های فراوان ائمه در زمینه پیشگیری و درمان ولی نه تنها هیچ سیاستی برای پیشرفت و توسعه علوم اسلامی و سر و سامان دادن به این حیطه نمی شود بلکه برای ریشه کن شدن آن ها قوانینی از قبیل قانون فوق، وضع می شود. با وضع این قبیل قوانین، کشور اسلامی فقط یک شعار است! سبک زندگی اسلامی فقط یک شعار خواهد بود!

تا زمانیکه می توان در راستای اسلامی کردن علوم، قدم مثبتی برداشت باید تلاش کرد ولی متأسفانه تصویب این قبیل قوانین نه تنها خدمتی به اسلامی شدن علوم نخواهد کرد بلکه کمک به غربی شدن می کند. اینکه حتی بیان مطالب اسلامی در زمینه های بهداشت و سلامت مردم، ممنوع باشد یعنی حتی تفکر اسلامی شدن علم، خیالی بیش نخواهد بود. سیاست های کلی نظام می بایست به سمت رهنمودهای رهبری عزیز انقلاب باشد و مجلس و دولت در این راستا قدم بردارد نه خلاف آن.

### جان تازه گرفتن صهیونیسم

المائدة: ۸۲ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ...

شدیدترین دشمن مسلمانان، یهودیان هستند. دشمنان دین، از این که مسلمانان از جهت جسمی و روحی در ضعف باشند خوشحال می شوند لذا تمام تلاش خود را در جهت تضعیف مسلمین به کار می گیرند. در این شرایط وضع چنین قوانینی منجر به تعطیلی تمام کانال ها و شبکه هایی است که در جهت ترویج طب سنتی - اسلامی تلاش می کنند. صهیونیسم به خوبی می داند که راه اصلاح تغذیه و سبک زندگی اسلامی بهره بری از کلام خداوند، انبیاء، اولیاء و حکماء می باشد لذا خود آنان از این منابع برای زندگی خود بهره می برند. با وضع این قبیل قوانین، صهیونیسم در آخر عمرش، جان تازه ای خواهد گرفت چون نقل انبیاء و اولیاء و روایات، شامل تأیید وزارت بهداشت نمی شود.

بیان این مطلب منافاتی با برخورد با ادعاهای غلوآمیز و بعضی تبلیغات ماهواره ای برای درآمدزایی ندارد، بلکه جلوی این موارد باید از طرق و روش های دیگری گرفته شود.

### ایجاد حس بدینی نسبت به دولت و مجلس

فکر نمی کنم الان صلاح باشد که به زمان نیوتن برگردیم و اگر شخصی، خلاف آنچه‌هایی که قبلاً ثابت شده، سخنی بگوید او را به زندان بیاندازیم. مردم این کار را زورگویی و تحمیل می دانند. اگر حکومت، مردم را بخاطر بیان مطالب علمی و یافته‌هایشان به زندان بیاندازد (فقط به این دلیل که قبلاً ثابت نشده است)، حس بدی نسبت به نظام (البته قانون گذاران و افرادی که چنین لایحه و طرح هایی را به مجلس پیشنهاد می دهند) پیدا می کنند و این کار را ناشی از عجز حکومت و ناکارآمدی آنان تلقی می کنند.



# پیشنهادات جایگزین برای مصوبه مجلس

برای جلوگیری از سودجویی افراد و سر و سامان دادن به طب سنتی اسلامی پیشنهادات جایگزینی ارائه می شود:

## ۱. در قسمت قانون گذاری

با توجه به استقبال عظیم مردم از طب سنتی - اسلامی، به جهت عدم نتیجه گرفتن از درمان در پزشکی جدید، پیشنهاد داده می شود جهت نظم و سر و سامان دادن به امور طب سنتی - اسلامی و برای تحصیل نتایج مطلوب در این علم گسترده و ریشه دار، قوانینی به نفع این علم و جهت نظام مند کردن آن در مجلس تصویب شود.

- قانون بر این وضع شود که ادعاهای بدون پشتوانه علمی از منابع یا بدون تحلیل منطقی و علمی جرم تلقی شود. (هر چند بیان فرضیه علمی هم جرم نیست) نه اینکه ادعاهایی که قبلاً وزارت بهداشت نگفته یا ثابت نکرده است مجرمانه باشد.

- باید قانون برعکس وضع شود. یعنی مجموعه ی اطلاعات ارائه شده از طریق انبیاء و ائمه و حکماء در طول تاریخ درست و قابل اعتماد می باشد، مگر اینکه تحقیقات قطعی، خلاف آن ها را ثابت کند که در اینصورت کشف می شود در تحلیل مطلب اشتباهی صورت گرفته یا به درستی به دست ما نرسیده است. پس اصل بر اعتماد به علوم گذشتگان است مگر اثبات عکسش.

## ۲. در قسمت اجرا

- انتخاب تیم مورد اعتماد ملت و دولت (متشکل از افراد متخصص از گروه ها و نهادهای دخیل) جهت نظارت بر تحقیقات گفته شده در بند قبل.

- تشکیل کارگروه های تخصصی نظارت بر طب سنتی - اسلامی که از گروه های مختلف فعال در عرصه طب سنتی - اسلامی انتخاب شده و مورد اعتماد دولت و ملت می باشند.

توضیح: دلیل موجه نبودن وزارت بهداشت برای این مسئولیت، وابسته بودن وزارت بهداشت به وزارت بهداشت جهانی است. طبیعی است که آموزه های طب سنتی - اسلامی مورد قبول دشمنان این نظام نمی باشد لذا مبناء آموزش های درمانی آموزش داده شده در حیطه اسلامی و سنتی، با مخالفت های جدی نظام پزشکی نوین مواجه خواهد شد.

- نظارت بر عملکرد اساتید، اطباء و داروسازان طب سنتی - اسلامی توسط کارگروه تخصصی نظارت بر فعالیت های طب سنتی - اسلامی.

- ارائه مستدل جرم های صادر شده در این صنف، توسط این کارگروه و ترتیب اثر دادن مراجع قانونی به گزارشات این

کارگروه

## ۲. در قسمت آموزش

با توجه به اینکه وزارت علوم و بهداشت تنها راه رسیدگی به این علم را، تحصیل مقدمات دکترای پزشکی جدید می‌داند لازم است به امور ذیل توجه شود:

مقدمه (۱) از اساس طب سنتی - اسلامی از جهت مبنا، داده‌های علوم، روش پژوهش و محتوا و نوع درمان متفاوت با طب کلاسیک می‌باشد. نگاهی که طب سنتی اسلامی به جهان و انسان دارد و نوع درمانگری در این علم متفاوت است لذا مباحث این علوم نیز به طور کلّ با پزشکی نوین متفاوت می‌باشد.

مقدمه (۲) بعضی سرفصل‌های لازم در پزشکی نوین وجود دارد که آن‌ها نیز در طب سنتی - اسلامی بیان و بحث شده‌اند مثل مباحث آناتومی (کالبدشناسی انسان) و ... لذا به نظر می‌آید طب سنتی - اسلامی برای نتیجه‌گیری در درمان خودش که از روش مختص به خود بهره می‌برد، نیازمند به پزشکی جدید نباشد هر چند می‌تواند از بعضی نتایج تحقیقات و بعضی ابزار نوین در این علم بهره‌برد.

نتیجه (۳) باید پزشکی جدید را متفاوت از طب سنتی - اسلامی دانست و برای تحصیل هر علم از همان ابتدا رشته‌هایی جدا با سرفصل‌هایی جدا تأسیس کرد. هیچ‌یک از این دو علم، مقدمه‌ی علم دیگر نیستند و دو روش جدا در درمان پیش می‌گیرند. حتی ابزارهای درمانی و داروهای آنان نیز از دو خانواده‌ی متفاوت می‌باشند. چرا برای تحصیل در رشته طب سنتی - اسلامی، شخص باید ۷ سال عمر خودش را در راه تحصیل پزشکی نوین به هدر دهد و در نهایت بعد از ورود به این علم، متوجه شود که مباحثی که خوانده است، جز اندکی از آنان به کار او نمی‌آمده است!

نهایت امر، آن سرفصل‌های لازمی که یک طبیب باید بداند<sup>۶</sup> و در منابع طب سنتی - اسلامی موجود نیست را در رشته‌ی طب سنتی - اسلامی تعریف و داخل کنند.

### نتیجه

قانون مصوّب از طرف مجلس شورای اسلامی جهت جلوگیری از گسترش علمی و عملی طب سنتی - اسلامی ایرادات زیادی داشته و عواقب منفی‌ای در پی دارد. ولی آنچه مسلم است نگرش حق‌گرایانه نمایندگان مجلس، موجب تصویب این قانون شده است. در بدو امر وقتی متن این قانون خوانده می‌شود، استنباط منفی نمی‌شود ولی هنگام تحلیل و بسط این قانون، برداشت‌ها و عواقب منفی تصویب این قانون آشکار می‌شود. نمایندگان محترم بخاطر مشکلی که بعضی افراد سودجو در طبابت و درمان ایجاد می‌کنند اقدام به تصویب این قانون کرده‌اند. این اقدام صحیح است ولی نتیجه‌ی تصویب این قانون خیلی زیانبارتر از این فائده‌ی حدّ اقلّی است. پس بهتر است برای جلوگیری از سوء استفاده از راهکارهای دیگری که در این

<sup>۶</sup> یک طبیب بماهو طبیب، صرف نظر از پزشکی نوین و سنتی. لذا لازم است این سرفصل‌های لازمی که برای طب سنتی تعریف می‌شود، طبق میانی بهداشتی و درمانی در طب سنتی باشد و الا در این علم، مفید فائده نخواهد بود. یعنی یک پزشک شیمیایی نمی‌تواند با دیدگاه شیمیایی خودش بگوید این سرفصل‌ها را باید هر پزشکی بخواند. به عبارت دیگر بعضی امور در هر دو علم مشترک بوده و برای درمان از هر دو نگاه لازم است.

متن آورده شده و نیاز به تکمیل دارد، بهره ببرند. بجای تصویب قوانین بر علیه طب سنتی که موجب حساسیت و تحریک بیشتر مردم و بدبینی و سوء ظن آنان نسبت به وزارت بهداشت و پزشکی نوین می شود، بهتر است قوانینی به نفع طب سنتی - اسلامی و ضابطه مند کردن این روش درمانی وضع کرد کما اینکه در کشورهای زیادی (چین ، هند ، آلمان و...) درمانگری به روش طب سنتی (بدون نیاز به طب جدید و مشروط کردن به آموزش در پزشکی نوین) مورد توجه دولتمردان، پارلمان و مردم بوده و در حال اجرا می باشد.

**لطفا این مقاله را به دست نمایندگان مجلس شهر خود و اعضای محترم شورای نگهبان و در نهایتا اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام برسانید.**

**دانشجوی طب سنتی - اسلامی ، محمد علی عابدی**